

مقدمه - در تأکید بعرفان یزدان و عمل باوامر و احکامه نازل

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امر الله

اصلی فارسی



کتاب گنجینه حدود و احکام صفحه 3

مقدمه

جمال قدم و اسم اعظم جلّ جلاله در آیات مبارکه و الواح مقدّسه سعادت معنویّه افراد عباد را بدو اصل مهمّ عرفان یزدان و عمل باوامر و احکام نازل از سماء مشیّت حضرت منّان مستند فرموده‌اند. فاقد این دو اصل از حیات جاودانی بی نصیب و محروم است و عارف بیعمل مانند عامل بیعرفان در درگاه عظمت غیر مقبول. بیانات الهیه در باره این مطلب که اهمّ مطالب محسوب بقدری است که احصای آن از عهده بیرون و این خود برهانی متین بر اهمّیت و عظمت این موضوع است و در این مقام بذکر قسمتی و نگارش شمه‌ای از بیانات مبارکه می‌پردازد:

از جمله در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی: "انّ اولّ ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الأمر و الخلق من فاز به قد فاز بكلّ الخیر و الذی منع انه من اهل الضلال و لویأتی بكلّ الأعمال (بند ۱) اذا فزتم بهذا المقام الاسنی و الأفق الأعلى ینبغی لكلّ نفس ان یتبع ما امر به من لدی المقصود لآئهما معا لا یقبل احدهما دون الآخر هذا ما حکم به مطلع الألهام." (بند ۱) و در لوح فریدون میفرمایند قوله تعالی: "بنام گوینده توانا ای فریدون الحمد لله از فضل ابهی به بحر ایمان فائز شدی و بافق اعلی توجه نمودی و لکن محک الهی لم یزل و لا یزال ما بین عباد بوده و خواهد بود و همچنین میزان الهی در کلّ حین مشهود است باید در کلّ احیان بحقّ جلّ و عزّ پناه برد و توفیق خواست تا مؤیدّ شود باستقامت بر آنچه



ORIGINAL

ادراک نموده و عمل بآنچه در کتاب الهی نازل شده اگر نفسی در جمیع عمر بعبادت مشغول شود و از صفاتی که سبب ارتفاع امر الله است محروم ماند آن عبادت حاصل ندارد و ثمری نخواهد بخشید"

و در لوح دیگر که ابتدای آن بجمله "ایمهاجر الی الله" شروع میشود میفرماید قوله تعالی: "بسا نفوس که خود را بحق نسبت میدهند و لکن از حق بسی غافلند چه که نسبت بقول تمام نشود و صادق نیاید البتّه هر دعوی را برهان باید و هر ادعا را حجتی شاید. پس کسانی که خود را بحق منسوب میدارند البتّه باید آثار تقدیس از فعلشان ظاهر شود و نضره نعیم از وجهشان مشاهده گردد"

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی: "انّ الذین نکثوا عهد الله فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم أولئک من اهل الضلال لدى الغنی المتعال (بند ۲) یا ملاً الأرض اعلوا انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی کذلک نزل الأمر من سماء مشیة ربکم مالک الأدیان. (بند ۳) لویجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده و لویکون خزائن الأرض کلها لیثبت امرا من اوامره المشرقة من افق العنایة و الألفاف. (بند ۳)"

و در لوح دیگر که به بیان مبارک "جمیع را بحکمت امر نمودیم" شروع شده میفرماید قوله تعالی: "بعد از عرفان مشرق وحی دو امر لازم یکی استقامت و دیگری اتباع اوامر الله که در کتاب نازل شده طوبی للفائزین."

و در لوح تجلیات نازل قوله تعالی: "تجلی اول ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل بآنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته"

و در لوح مانکجی نازل قوله تعالی: "ایرمدان گفتار را کردار باید چه که گواه راستی گفتار کردار است و آن بی این تشنگانرا سیراب ننماید و کورانرا درهای بینائی نگشاید"

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی: "قد تکلم لسان قدرتی فی جبروت عظمتی مخاطبا لبریتی ان اعملوا حدودی حبا لجمالی طوبی لحیب وجد عرف المحبوب من هذه الکلمة الّتی فاحت منها نفعات الفضل علی شأن لا توصف بالاذکار (بند ۴) "لعمری من شرب رحیق الانصاف من ایادی الالطاف انه یطوف حول اوامری المشرقة من افق الابداع." (بند ۴)"

و نیز میفرماید قوله تعالی: "بگو ای برادران باعمال خود را بیارائید نه باقوال" (کلمات مکنونه)

و در لوح رؤس میفرماید قوله تعالی: "رأس الایمان هو التقلل فی القول و التکثر فی العمل فن کان اقواله ازید من اعماله فاعلموا انّ عدمه خیر من وجوده و فناءه احسن من بقائه."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوحی میفرماید قوله العزیز: "اساس دین الله اکتساب کالات است و استفاضه از فیوضات مقصد از ایمان و ایقان تزین حقایق انسانی بفیض کالات ربّانی است اگر این حصول نیابد حقیقت حرمان است و عذاب نیران. پس بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سایر ادیان بعبرده و های و هوی و لفظ بمعنی کفایت نمایند بلکه بجمع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربّانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بمعنی و بهائی این است که شب و روز بکوشد تا در مراتب وجود ترقی و صعود نماید و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظر گاهش همواره خلق و خوی حقّ باشد و روش و سلوکش سبب ترقیات نامتناهی گردد بقدر قوه رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد و چون باین مواهب موفق شود میتوان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که نفع قرون و اعصار است ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمع شئون و کالات ایمان است"

حضرت ولیّ امرالله غصن ممتاز جلّت قدرته در لوح مبارک مورّخ شانزدهم اکتوبر سنه ۱۹۲۵ میلادی میفرماید قوله الأحملي: "معرفت مظهر ظهور اگر ثمر و نتیجه اش حسن سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثیر محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا نبوده و نیست. چه که این معرفت معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و تقلید است. و همچنین حسن نیت و صفای قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حقّ محبوب ماند و باقبال بمظهر ظهورش فائز نگردد بالمال از قوه دافعه تأیید و امدادات روح القدس که یگانه دافع هموم و کروب اینعالم ظلمانی است ممنوع و از تأثیر دائمی و نتایج کلّیه محروم. فتح و ظفر در این قرن انور نصیب مؤمن نیک رفتار است نه عالم بد کردار مواعظ علماء سوء که از مقصد دین غافلند و هنر و همت اهل علم و تقوی که از عرفان معلوم مجوبند هر دو اثرات و نتایجش در حیز ادنی محدود و فانی ولی ثمرات همم عالیّه هر مؤمن پرهیز کار بی پایان و باقی چه که مستمدّ از روح نباض آئین حضرت بهاءالله است و بنفثات روح القدس مؤید. این است شرط وفا این است سرّ تبلیغ امر بها"

بیانات الهیه که در اینخصوص نازل شده بشمار و احصای آن از حوصله مقام بیرون است.